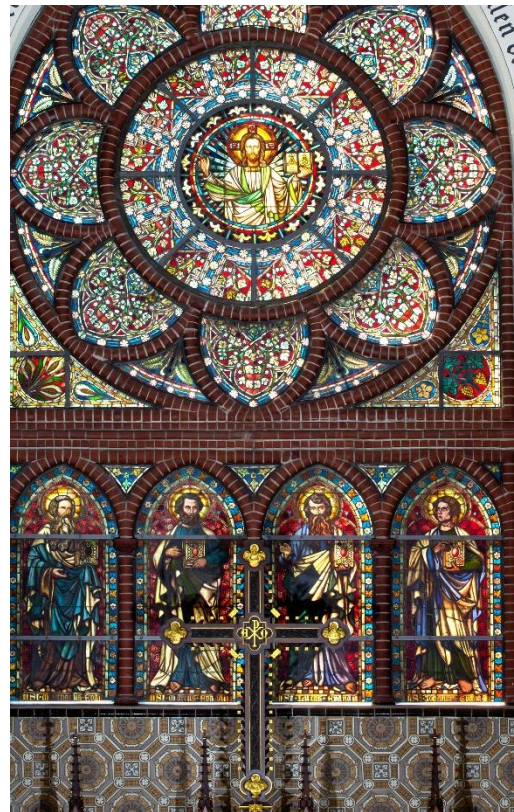


به امانت خدا قسم که سخن ما با شما 'آری' و 'نه' نبوده است. 19 زیرا پسر خدا، عیسی مسیح، که من و سیلاس و تیموتائوس به او در میان شما موعظه کردیم، 'آری' و 'نه' نبود، بلکه در او همیشه 'آری' است. 20 زیرا همه وعده‌های خدا در مسیح 'آری' است و به همین جهت در اوست که ما 'آمین' را بر زبان می‌آوریم، تا خدا جلال یابد. 21 اما خداست که ما را با شما در پیوندمان با مسیح استوار می‌سازد. او ما را مسح کرده 22 و مهر مالکیت خویش را بر ما زده و روح خود را همچون بیعانه در دلهای ما جای داده است.

دوستی اخیراً به من گفت: «به همه کسانی که می‌توانند به خدا ایمان داشته باشند غبطه می‌خورم... اما من نمی‌توانم - حتی اگر بخواهم.» دلیل این حرف این است که این شخص همه ادیان را ابزاری برای سرکوب یا دستکاری مردم می‌داند. همه اینها در گذشته وجود داشته و متأسفانه امروز نیز وجود دارد.



این جمله عمیقاً مرا تحت تأثیر قرار داد زیرا نشان می‌دهد که ما مسیحیان واسطه بین جهان و خدا هستیم. این ما را از اهمیت شهادتمان آگاه می‌کند. حتی زندگی روزمره‌ای که ما به عنوان مسیحیان در می‌یابیم نیز قابل توجه است. زیرا، همانطور که به نظر می‌رسد دوست من نتیجه می‌گیرد: «خداوند مانند پیام‌آور خودش است.» به عبارت دیگر: اگر مسیح را نتوان در ما شناخت، او وجود ندارد. وقتی نامه‌های پولس رسول را می‌خوانم، می‌بینم که او زندگی روزمره مسیحی را بسیار نزدیک با روح زنده و فعال مسیح پیوند می‌دهد. آیا می‌توان مسیح را در زندگی ما شناخت؟ در متن ما از دوم قرن‌تیان، پولس جرأت می‌کند مسیح را بسیار نزدیک با خدمت خودش مرتبط کند. او اساساً می‌گوید: «چون خدا قابل اعتماد است، ما نیز قابل اعتمادیم. یا: اگر برای خدا «بله» است و نه «بله و خیر»، پس برای ما نیز صادق است.» بین پولس و قرن‌تیان اختلاف نظر وجود داشت. در این زمینه، پولس قول داده بود که به دیدار آنها برود، اما به دلیل مشکلات مختلف از انجام این کار منع شد. بنابراین، قرن‌تیان پولس را به غیرقابل اعتماد بودن متهم کردند: «تو غیرقابل اعتمادی. تو به قولت عمل نمی‌کنی؛ نمی‌توان به تو اعتماد کرد!»

پولس این انتقاد را از قرن‌تیان می‌گیرد و آن را با اعمال بزرگ خدا می‌پیوندد. سخنان او این است: خدا قابل اعتماد است. بنابراین، من هم هستم. و بنابراین، سخنان من معتبر است. آیا پولس در اینجا کمی زیاده‌روی نمی‌کند؟ چگونه می‌تواند اعمال بزرگ خدا را با اعمال کوچک انسانی خود در اینجا بر روی زمین تطبیق دهد و بنابراین حتی به آنها مهر الوهیت بزند؟ و آیا این دقیقاً همان چیزی نیست که دوست من از آن انتقاد می‌کند، وقتی می‌گوید «مردم فقط از خدا استفاده می‌کنند تا خود را بزرگتر جلوه دهند؟» اما من معتقدم که همین کلمات پولس رسول، فرصت بسیار خوبی است تا آنچه را که به هم تعلق دارد با هم مرتبط کند. یعنی خدا و کلیسا، یا به عبارت دیگر: آموزه‌ها و ایمان کلیسا به وضوح و به طور قابل فهمی در زندگی روزمره

آشکار می‌شوند، به طوری که همه می‌توانند ببینند که وقتی به کلیسا می‌روند، با خدا تعامل دارند و نه فقط با افراد ناقص. به طوری که حتی دوست من مجبور نباشد بگوید: «من هیچ نشانه‌ای از خدا در کلیسای شما نمی‌بینم!»

با این حال، سوالات دوست من، و همچنین انتقاد قرن‌تین از پولس، به این معنی است که مسئولیت بزرگی بر دوش ما مسیحیان است. به این دلیل که هر شکست، هر نقص یا انحرافی به پروردگار ما اشاره دارد. اگر اینطور باشد، چه مسئولیت بزرگی داریم! و چقدر دقیقاً به همین دلیل شکست می‌خوریم. به نظر می‌رسد پولس این مشکل را می‌دانسته، اما با وجود آن عمداً این ارتباط را تأیید می‌کند، حتی اگر کلیسا پر از افراد ناقص باشد. اما سپس او کاملاً به ستایش و اعتراف به خدا روی می‌آورد. در این مرحله دوم، به نظر می‌رسد که او نقش خود را به طور کامل کنار می‌گذارد و فقط از خدا و وفاداری او صحبت می‌کند. خدا کسی نیست که امروز یک جور فکر کند و فردا جور دیگر. خدا وفادار است. و اگر او عهد خود را با ما بسته است، پس این عهد پابرجاست - حتی اگر کل جهان فرو بریزد. و اگرچه ما انسان‌ها همیشه جایز الخطا هستیم، خدا همچنان به کلام خود وفادار می‌ماند.

پولس در سخنان خود، مسیح را بزرگ می‌دارد. و اگر مسیح بزرگ است، پس از طریق کار او در زندگی روزمره، کلیسا نیز بزرگ است. و این مسیح با سوء رفتار، ضعف یا تنبلی فرستادگانش کوچک یا حتی بی‌ارزش نمی‌شود. قرن‌تین چیزی شبیه به یک سیستم کنترل کیفیت برای رسولان ایجاد کرده بودند و همکاران مختلف پولس، آپولوس و پطرس را با هم مقایسه می‌کردند. و بسته به اینکه چه کسی در آن زمان از نظر آنها خوب تلقی می‌شد، او را به عنوان یک رسول بزرگ و قابل اعتماد معرفی می‌کردند. و در مورد هر کس دیگری، پیام به طور کلی تحت عنوان «غیرقابل اعتماد» و «باورنکردنی» رد می‌شد. پولس مجبور بود به شدت با این موضوع مخالفت کند. او باید مخالفت می‌کرد زیرا نجات خدا از طریق مردم انجام می‌شود، اما به آنها گره نخورده است. آیا این مربوط به آپولوس است، آیا مربوط به پطروس است، آیا مربوط به پولس است؟ نه، اگر بحث آنها باشد، همه ما شکست خورده‌ایم. اگر چیزی شبیه به بازرسی کنترل کیفیت برای کلیسای امروز وجود داشت، همه ما نیز شکست می‌خوردیم. دلایل زیادی وجود دارد که می‌توان امروز علیه ما مطرح کرد. پولس به اختلاف نظر در مورد اینکه چه کسی در میان رسولان در استدلال خود بهترین است، نمی‌پردازد، بلکه بر این تمرکز می‌کند که چه کسی پشت آنها ایستاده است. و این فقط می‌تواند مسیح باشد. وعده‌های خدا فقط در مسیح محقق می‌شوند. فقط در او همه چیز امن است.

در طول دوران ظهور مسیح، ما در مورد این وعده‌های محکم خدا، همانطور که از طریق پیامبران منتقل شده است، تأمل می‌کنیم. آنها نیز انسان‌های ضعیفی بودند، اما با این حال همه چیز همانطور که پیشگویی کرده بودند، اتفاق افتاد. زیرا خدا در آنها و از طریق آنها سخن گفت. ما همچنین می‌خواهیم این خدا را در اعمال خود ببینیم. به زودی این سرود آشنا را خواهیم خواند: «سپاس از آن خدا در سراسر جهان است که به کلام خود عمل می‌کند.» این خدا پشت کار پولس ایستاده است. و او همچنین پشت کلیسا ایستاده است. پشت کلیسای ما نیز ایستاده است. آنچه پولس در مورد این خدا می‌گوید این است که کار او در تئوری باقی نمی‌ماند، بلکه در ما به واقعیت تبدیل می‌شود. عبارات کلی مانند «خدا خوب است» و «خدا وفادار است» اگر در زندگی شخصی من صدق نکنند، بی‌معنی هستند. نه، اعتبار خدا در تئوری باقی نمی‌ماند، بلکه وارد تاریخ انسانی ما می‌شود و ملموس می‌شود. وعده‌های خدا با ما صحبت می‌کنند. آنها ما و تمام زندگی ما را در وعده‌ها شامل می‌شوند. ما با جنبه‌های خوب و بد خود، مورد خطاب خدا هستیم و با تمام نقاط قوت و ضعف‌مان به ما مأموریت داده شده است. و به همین دلیل است که پولس می‌تواند چیزی به سادگی برنامه‌های سفر خود را با این خدایی که به وعده‌های خود وفادار می‌ماند، مرتبط کند. این

خدا در اعمال و کردار ما نیز پشت سر ماست. عیسی مسیح یک مفهوم یا پدیده معنوی نیست که به عنوان یک تصویر ایده‌آل بسیار فراتر از جهان ما معلق باشد. اگر اینطور باشد، می‌توانم مثل دوستم تنها بگویم: «این تصویر خوب به نظر می‌رسد، اما من نمی‌توانم باورش کنم...» نه، عیسی مسیح در یک زمان بسیار خاص و در یک تاریخ بسیار خاص انسان شد. و این در طول تاریخ ادامه دارد. پولس زنده شدن مسیح را برای قرن‌تین بسیار ملموس می‌کند. پیام عیسی مسیح توسط پولس، سیلوانوس و تیموتائوس در یک زمان بسیار خاص به قرن‌تین آورده شد. این افراد مسیح را نیاوردند، بلکه مسیح خود را از طریق آنها آشکار کرد. مسیحی که این رسولان آوردند همین مسیح است که در ابتدا به جهان آمد و در بیت لحم متولد شد. و اوست که ایمان ما را تقویت و تأیید می‌کند. پولس اصرار دارد که مسیحی که در بیت لحم متولد شد، همان کسی است که از طریق موعظه خود و موعظه دوستانش به قرن‌تس آمد. این بدان معناست که این مسیح بسیار بزرگتر از خود رسول است. اگر همه چیز به رسول بستگی داشت، پس عدم حضور او در قرن‌تس و سایر کاستی‌هایش، که مطمئناً نیز وجود داشتند، به این معنی بود که نه تنها موعظه‌های او، بلکه آموزش گناهان، شام خداوند و هر چیز دیگری نیز در کلیسا غیرقابل اعتماد و نادرست هستند، زیرا با اعمال رسولان نفی می‌شدند. و به همین دلیل است که برای رسول بسیار مهم است که این مسیح و وعده او را بزرگ جلوه دهد، حتی زمانی که این مسیح از طریق افراد ضعیف به ما می‌رسد.

قرن‌تین دقیقاً همان اشتباه دوست من را مرتکب شدند که می‌گوید: «چون مسیحیان غیرقابل اعتماد هستند، خدای آنها نیز غیرقابل اعتماد است و من نمی‌توانم به او ایمان بیاورم!» این یک سوء تفاهم اساسی است. زیرا اگر انجیل به ما انسان‌ها وابسته بود، پس من نیز باید نجات خود را به اعمال خودم وابسته می‌کردم. سپس باید در مقابل دروازه‌های بهشت می‌ایستادم و اعمال خوب و بد خود را در برابر یکدیگر می‌سنجیدم، اما بارها و بارها متوجه می‌شدم که کاملاً شکست خورده‌ام. نه، حتی وقتی جلوی دروازه‌های بهشت می‌ایستم، فقط می‌توانم با مسیح و به نام او این کار را انجام دهم. فقط در مسیح می‌توانم بگویم که نجات یافته‌ام. فقط در مسیح می‌توانم دعا کنم، «پدر آسمانی ما!» و فقط در مسیح درست است که می‌توانیم بگوییم خدا از طریق کلیسا به سوی ما انسان‌ها می‌آید. دلیلش این است که با مسیح هیچ‌اما و اگری وجود ندارد. نه بله و نه خیر. مسیح مُهر ماست زیرا از طریق او تمام وعده‌های خدا محقق می‌شود و او نه تنها برای افراد ضعیفی مانند ما مرد، بلکه افرادی مانند ما را نیز مأمور کرد تا پیام‌آور او باشند. از طریق عیسی، تمام جنبه‌های منفی که ما به عنوان انسان و به عنوان یک کلیسا داریم به جنبه‌های مثبت تبدیل می‌شوند. زیرا با مسیح، هیچ بله یا خیری وجود ندارد، فقط بله و آمین. بله! از طریق عیسی، من یک مسیحی هستم! بله! من از طریق قدرت روح او به خدای پدر و پسر و روح القدس ایمان دارم! آمین.